

در این جلسات ارائه می دهند.»

دهدار در بخشی دیگر از یادداشت خودنوشته: «احمد وحیدی، وزیر کشور، نیز در تاریخ ۸ آذرماه امسال اعلام کرد که تاکنون ۴۰۰ هزار نفر از اتباع غیرقانونی، به کشور خود بازگشت داده شده‌اند. قوانین بازدارنده کافی برای جلوگیری از بازگشت مهاجران غیرقانونی اخراج‌شده نداریم و باید تمهیداتی اندیشیده و این مسئله را حل کنیم. ازسوی دیگر علی اصغر بلوکیان، مدیرکل امور اتباع و مهاجران خارجی سازمان ملی مهاجرت، در تاریخ ۲ آبان ماه اعلام کرده که از سال ۱۳۹۶ تا نیمه‌اول سال ۱۴۰۲، حدود ۵ میلیون نفر از اتباع خارجی از ایران اخراج شده‌اند. این آمار شامل کسانی است که یا دستگیر شده و به‌صورت اجباری از کشور اخراج شدند یا کسانی که خودشان را به مقامات مربوطه معرفی کردند و داوطلبانه خواهان خروج از کشور شدند. در سال ۱۴۰۱ هم بیش از یک‌میلیون نفر اخراج شده‌اند. در ۶ ماه نخست امسال هم آمار اخراج‌ها بیش از ۵۵۸ هزار مورد است.» به تاکید دهدار: «ذکر این نکته نیز حائزاهمیت است که بخش قابل توجهی از مهاجران غیرقانونی به‌صورت داوطلبانه و با معرفی خود، به کشورشان بازمی گردند. برای مثال جواد خانی، مسئول مدیریت اتباع غیرمجاز سازمان ملی مهاجرت، گفته که کار بازگرداندن اتباع غیرمجاز از مردادماه امسال آغاز شده است و این روند ادامه دارد که تاکنون ۴۵۰ هزار نفر از افراد فاقد مدارک هویتی و قانونی، از کشور داوطلبانه بازگردانده شده‌اند. البته علاوه بر ارقام فوق که ازسوی مقامات ایرانی اعلام شده، وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان طالبان نیز آمارهایی را دراین‌زمینه اعلام می کند که شامل مهاجران افغانستانی است که به افغانستان بازگشته یا برگردانده شده‌اند. وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان طالبان در تاریخ ۱۳ آذرماه امسال اعلام کرده که در یک‌ماه حدود ۱۳۴ هزار افغانستانی از ایران به افغانستان بازگردانده شده‌اند که به‌صورت اجباری یا داوطلبانه بوده است. علاوه بر این سخنگوی وزارت مهاجرین و عودت‌کنندگان طالبان نیز آمار بازگشت مهاجران از افغانستان به ایران در سال ۱۴۰۱ را ۸۲۰۱ هزار نفر اعلام کرد که ۴۰۰ هزار نفر به‌صورت اجباری و بقیه به درخواست خودشان بازگشته‌اند. همانطور که روشن است، در زمینه ارقام بیان شده از تعداد مهاجران اخراجی و بازگردانده‌شده، اجماعی وجود ندارد و آمارهای موجود بسیار پراکنده و غیرمنسجم است. بنابراین تفاوت‌های آماری موجب‌شده است تا نتوانیم تصویر روشنی از روند اخراج‌ها داشته باشیم. بااین حال مطابق شواهد موجود، اخراج گسترده مهاجران غیرقانونی در دستور کار ایران قرار داشته است.»

▼ کار در حومه‌ها

«نیروی کار کم است و ایرانی‌ها مایل به انجام بسیاری از شغل‌هایی که مهاجران افغان به‌راحتی قبول می کنند، نیستند. اینکه صاحبان مشاغل را از به کارگیری نیروهای کاری محدودی که در اختیار دارند، محروم می کنند، قابل قبول نیست و شرایط کاری را برای ما سخت می کند.» این صحبت‌های یک کافهدار در خیابان شریعتی است که علاقه‌ندارد نامش در این گزارش منتشر شود. او در توضیح بیشتر به هم‌میهن می گوید: «اما تا یک‌ماه پیش یک کارگر افغان داشتیم و خودش از پیشی ما رفت. آن زمان هیچ نهادی به ما درباره ممنوعیت استفاده از این کارگر مهاجر هشدار نداده بود اما شنیدم‌ام که در برخی کافه‌ها و رستوران‌های دیگر این ممنوعیت اعلام شده و باید کارگران خود را اخراج کنند.» او درباره اینکه چرا صاحبان این مشاغل تمایل بیشتری به استخدام این افراد دارند، می گوید: «این افراد بهتر کار می کنند، چون مهاجر هستندو شرایط متفاوت‌تری دارند، به‌همین دلیل سعی می‌کنند مشکلی در کار کردن برای آنها پیش نیاید. میزان درآمدی هم که برای آنها در نظر گرفته می‌شود، کمتر از نیروی ایرانی نیست و تنها تفاوت در نداشتن بیمه است. ارزش پول ما پایین است و همین مهاجران هم راضی نمی‌شوند با حقوق کمتر کار کنند.»

این کافهدار البته به این نکته هم اشاره می کند که اجرای چنین قوانین سختگیرانه‌ای برای استخدام‌نشدن مهاجران نمی‌تواندمنجر به مدیریت و کاهش مهاجرت آنها شود: «درحال حاضر افغان‌ها هم در بخش فروشگاه‌ی، هم کارگاهی کار می‌کنند. اما بیشترشان در حومه‌شهر در مشاغل سخت کارگاهی کار می‌کنند و چطور می‌توان این افراد را نظارت کرد. تعداد نیروی کار شاغل در بخش‌های فروشگاه‌ی رستوران و کافه‌های شهری که اتباع افغان فعال باشند، آنقدر زیاد نیست که با این ممنوعیت‌ها، منجر به تحقق نتیجه شود. عرضه و تقاضا ازبین‌رفتنی نیست و یک کارفرما درنهایت زمانی که تفاوت کاری کارگر افغان با ایرانی را ببیند، به هر ترفندی که شده باشد، آن کارگر افغان را به‌کار می‌گیرد. این روش درستی نیست و بانوجه به اینکه ما مشکل نیروی کار داریم، افغان‌ها هم نیروی کار خوبی‌اند، چنین‌سیاست‌گذاری‌هایی به‌سرانجام‌نمی‌رسد.»

او درباره اینکه دلیل این کمبود نیروی کار چیست؟ توضیح می‌دهد: «بحث درآمد به‌گونه‌ای رقم خورده که برای کارگر کم و برای کارفرما زیاد است. دوطرف در این شرایط ناراضی هستند. ۱۵ میلیون تومان برای ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار روزانه در یک کافه یا رستوران مبلغ کمی برای کارگر است اما همین رقم برای کارفرما زیاد است ونمی‌توان تعادل برقرار کرد. ایرانی‌ها تن به این کار نمی‌دهند، اما افغان‌ها بیشتر تمایل به انجام این کارها هستند.» او البته به مشکلات استفاده‌ی کارگران افغان هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «این افراد شماره حساب ندارند و پرداخت حقوق به آنها چالش‌های زیادی برای ما ایجاد می‌کند. رفت‌وآمد آنها در شهر هم ریسک دارد و احتمال دستگیری دارند. بیمار شدن‌شان هم مشکلات خاص خودش را دارد. کارگر ایرانی این مشکلات را ندارد اما پیدا نمی‌شود که استخدام کنیم. علاوه بر این، مشکل فرهنگی هم وجود دارد، مثلاً در یک فلافل‌فروشی حضور کارگر افغان بسیار واکنش‌همراه نمی‌شود اما در رستوران و کافه‌های خاص‌تر، مردم چنین شرایطی را به‌راحتی نمی‌پذیرند. البته به‌معنی آن نیست که مردم، افغان‌ستیزی

پیمان حقیقت طلب مدیر بخش پژوهش اندیشکده دیاران:

مهاجران عمدتاً در مشاغل سطح پایین ورود می‌کنند و مشاغل غذایی هم جزو همین فهرست است. در ایتالیا کارگران مصری و سنگالی پیتزا می‌پزند و در آلمان پخت دونرکباب را ترک‌ها انجام می‌دهند. اما ما به‌جز مسئله ورود غیرقانونی مهاجران، مسئله هم دیگری هم داریم؛ به‌رروز نشدن قوانین مهاجرتی. راه‌حل برخورد با افزایش ورود غیرقانونی اتباع بگیر

و ببند نیست و باید مجوز صادر شود. یک سهمیه محدود برای اشتغال رسمی که می‌توان نظم بیشتری هم به این حوزه بدهد

داشته باشند و ما هم واکنش منفی از سمت مردم‌نداشتیم، اما سطح کار را از نگاه مصرف‌کننده پایین می‌آورد.»

▼ مهاجران‌ماهر

چهره اشتغال مهاجران افغان در ایران تغییر کرده و بخش زیادی از آنها دیگر مایل به انجام کارهای سخت‌وسطح پایین نیستند. پیمان حقیقت‌طلب، مدیر بخش پژوهش اندیشکده دیاران هم این موضوع را تایید می‌کند و معتقد است، به دو دلیل شاهد چنین مسئله‌ای هستیم. او در توضیح بیشتر به هم‌میهن می‌گوید: «ما اکنون با نسل‌های دوم و سوم مهاجران مواجه شده‌ایم. کسانی که در ایران متولد‌شده‌اند یا در ایران بزرگ‌شده‌اند. این افراد هم شامل قوانین اشتغال می‌شوند و اجازه فعالیت در هر شغلی را ندارند اما به‌دلیل اینکه مهارت کسب کرده‌اند، مایل به حضور در مشاغل سطح بالا و‌های‌تک هم هستند، از جمله کدنویس‌ها که تعدادشان هم کم نیست. دلیل دیگر هم مهاجران تازه‌وارد هستند که کارفرماهای ایرانی آنها را در مشاغل جدیدبه‌کار می‌گیرند. همین‌حالا در بسیاری از کافه‌های تهران جمعیت کارگران افغان به‌شدت افزایش پیدا کرده است و خیلی از آنها هم مهاجران تازه‌واردی هستند که برخی دارای مدرک‌وی‌بر‌خی دیگر بدون مدرک هستند.» حقیقت‌طلب‌با بیان اینکه این دو اتفاق هم‌زمان رخ داده و این تغییر چهره‌شغلی مهاجران را رقم‌زده، می‌گوید: «قوانین ما به‌روز نشده‌اند و با این تغییر همخوانی ندارد. اما مسئله مهمی که وجود دارد، درباره برخی از این افراد نمی‌توان واژه مهاجر را در نظر گرفت چون آنها در ایران بزرگ‌شده‌اند و کاملاً در محیط ایران آمیخته شده‌اند. آنها شبکه ارتباطی خوبی هم با ایرانی‌ها برقرار کرده‌اند و در بسیاری از مشاغلی که مشغول به‌کار می‌شوند، مشتری ایرانی دارند که از خدماتی که دریافت می‌کنند، رضایت دارند. درباره مهاجران تازه‌وارد هم بازار تقاضا از سمت کارفرماهای ایرانی وجوددارد. حتی در بسیاری از رستوران‌ها، کافه‌ها و شربنی‌فروشی‌های بالای‌شهر هم شاهد افزایش اشتغال اتباع افغان هستیم.»

او درباره این که این افزایش استقبال به چه دلایلی رخ داده، می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها، ارزان بودن نیروی کار افغان است که به‌دلایل مختلف دستمزد کمتری نسبت به کارگر ایرانی می‌گیرند. هزینه‌های زندگی در ایران برای همه از جمله کارگر افغان دارای مجوز کار بالاتر است، اما افرادی که عمدتاً ازسوی این کارفرماها به‌کار گرفته‌می‌شوند، غیررسمی هستندوهم‌هزینه‌زندگی پایین‌تری دارند، هم کارفرما می‌تواند روی آنها اعمال قدرت کند. البته طبق قانون به‌کارگیری اتباع، جریمه‌رواننده‌دارد که سه‌برابر هزینه دستمزد یک کارگر ایرانی است اما مسئله اینجاست که بی‌توجهی به قانون زیاد است و باعث تهی شدن از معنا می‌شود. درباره بسیاری از کارفرماهای ایرانی برای استخدام کارگر اتباع خارجی شاهد این اتفاق هستیم.»

▼ قانونی برای افزایش غیرقانونی‌ها

مدیر بخش پژوهش اندیشکده دیاران معتقد است که برخورد حکمیت و قانون با این افراد به‌گونه‌ای است که مهاجران به‌ویژه افغان‌ها را به‌طرق مختلف غیرقانونی می‌کند: «برخی از این افراد ورود غیرقانونی دارند، برخی ورود قانونی و اقامت غیرقانونی دارند و برخی هم ورود و اقامت قانونی دارند اما مجوز کار آنها به‌گونه‌ای است که شاغل شدن در برخی مشاغل را برای‌شان غیرقانونی می‌کند. با افزایش این موارد غیرقانونی، معنای قانون زیر سوال می‌رود و این

مسئله درباره بسیاری از مهاجران افغان در کشور رخ می‌دهد حتی اگر ۲۰ تا ۳۰ سال از عمر اقامت آنها در ایران گذشته باشد.»

حقیقت‌طلب درباره برخورد‌های شدیدی که امسال درباره اشتغال اتباع شکل گرفته و آیا می‌تواند منجر به کنترل ورود این افراد به کشور یا کاهش جمعیت آنها بشود هم توضیح می‌دهد: «قوانین از گذشته وجود داشته اما حساسیت‌ها به‌دلیل افزایش ورود غیرقانونی افغان‌ها به کشور بیشتر شده است. مسئله ایران با مهاجران افغان بحث خواستن یا نخواستن نیست و ایران همیشه نسبت به این افراد در عمل انجام‌شده قرار دارد و به‌ندرت اتفاقی رخ داده که منجر به بازگشت آنها به کشور خودشان شده باشد. شرایط ژئوپلیتیکی ایران هم به‌گونه‌ای است که نمی‌توان گفت قاچاق انسان به ایران ازسوی مردم همان کشور انجام می‌شود. پدیده افغان‌کشی ازسوی خود ایرانی‌ها به‌شکل غیرقانونی انجام می‌شود و با درآمد بالا شغل بخشی از جامعه ایرانی است.» او ادامه می‌دهد: «اقداماتی از جمله ممنوعیت ورود به برخی استان‌ها یا پلمب برخی اصناف را باید اقدامات مُسکنی و کوتاه‌مدت در نظر گرفت، این سیاست‌ها در کوتاه‌مدت افکار عمومی را آرام می‌کند اما در بلندمدت نتیجهبخش نیست. هر اقدامی که بتواند حضور غیررسمی افغان‌ها در کشور را کاهش دهد، مناسب است چون به‌شدت آسیب‌رسان است اما در بحث جمع‌آوری، به‌دلیل شکل‌گیری شبکه قاچاق انسان در میان‌مدت و بلندمدت منجر به حل مسئله‌نیست.»

حقیقت‌طلب شکل اشتغال مهاجران به ایران را با دیگر کشورها مقایسه می‌کند و می‌گوید: «مهاجران عمدتاً در مشاغل سطح پایین ورود می‌کنند و مشاغل غذایی هم جزو همین فهرست است. در ایتالیا کارگران مصری و سنگالی پیتزا می‌پزند و در آلمان پخت دونرکباب را ترک‌ها انجام می‌دهند. اما ما به‌جز مسئله ورود غیرقانونی مهاجران، مسئله دیگری هم داریم؛ به‌رروز نشدن قوانین مهاجرتی. راه‌حل برخورد با افزایش ورود غیرقانونی اتباع بگیر و ببند نیست و باید مجوز صادر شود. یک سهمیه محدود برای اشتغال رسمی که می‌توان نظم بیشتری هم به این حوزه بدهد.»

او درباره اینکه با این اوصاف نباید‌نگران از دست رفتن فرصت‌های شغلی برای ایرانیان بود، عنوان می‌کند: «اقتصاد یک پدیده پویاست. هیچ زمانی به این معنا نبوده که یک تعداد شغل تعریف شود و تعدادی از افراد آن را اشتغال کنند و دیگر هیچ شغلی وجود نداشته باشد. زمانی که افغان‌ها در مشاغل سطح پایین مشغول به‌کار می‌شوند، یک‌هم‌تشکیل می‌شود چون نیازهایی دارند و این نیازها را ایرانی‌ها می‌توانند رفع کنند. مثال این وضعیت بازار کیف و کفش چهارراه سیروس است که کارگران افغان در سطوح پایین این بازار در حال فعالیت هستند اما برخی نیازهای جدید مثل بنکداری و تأمین مواد اولیه برای آنها فراهم شده که توسط ایرانی‌ها در حال انجام است. این اشتغال قطعاً یک‌یک اقتصاد را در این بخش‌ها بزرگ‌تر کرده و ایرانی‌ها هم بهره‌خود را از آن می‌برند.»

مدیر بخش پژوهش اندیشکده دیاران درباره اینکه آیا این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های می‌تواند منجر به آسیب اجتماعی شود، می‌گوید: «برای افرادی که سابقه طولانی اقامت در ایران دارند و به‌نوعی ادغام اجتماعی‌ فرهنگ‌ی درباره آنها رخ داده، این برخوردها کاملاً آسیب‌رسان است. چون آنها با محیط ایران به‌خوبی آشنایی دارند و خودشان را غریبه نمی‌دانند. این برخورد‌ها می‌تواند حسن نبودتعلق، غریبه‌پنداری و دیگری‌سازی را در آنها تقویت کند. درباره مهاجران تازه‌وارد آسیب چندان زیاد نیست، اما باید کرامت انسانی درباره آنها هم حفظ شود.»

خبر سازان



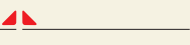
بودجه مناسب‌سازی معابر ۷ برابر شد

یک عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران گفت: «بودجه مناسب‌سازی معابر برای معلولان و جانبازان در ابتدای دوره مدیریت شهری ششم، ۶۰ میلیارد تومان بود اما در حال حاضر این عدد حدود ۴۰۰ میلیارد تومان است.» احمد علوی ادامه داد: «در موضوع سرویس مدارس استثنایی نیز در سال‌های گذشته فقط کمک می‌شد اما امسال مدیریت شهری تمام هزینه را برعهده گرفت و بالای ۷۰ میلیارد تومان برای این مهم بودجه در نظر گرفته شد که احتمالاً در متمم به ۱۰۰ میلیارد تومان خواهد رسید.» علوی درباره دسترس‌پذیری و مناسب‌سازی معابر برای معلولان هم افزود: «دسترس‌پذیری و مناسب‌سازی معابر برای معلولان نسبت به گذشته رشد داشته است. برای مثال شهرک اوتیسیم در منطقه ۲۲ مجوز کمیسیون ماده پنج را دریافت کرد و کارهای آن در حال انجام است. به‌طور کلی عملکرد شهرداری در حوزه معلولان مناسب بوده است.»



تداوم برج‌سازی در حریم باغ گیاه‌شناسی

گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که پروژه احداث برج‌های ۳۸ طبقه در زمینی که در ضلع شمالی «باغ گیاه‌شناسی ملی ایران» واقع شده است و فعالان محیط‌زیست و البته برخی مسئولان قوه قضائیه معتقدند که در حریم قانونی این باغ به‌شمار می‌رود، در ماه‌های اخیر سرعت بیشتری به خود گرفته است. بااین‌حال اما حمیدرضا صارمی، معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران به‌الینا می‌گوید: «ساخت‌وساز در حریم باغ گیاه‌شناسی ملی ایران به‌صورت قانونی انجام می‌شود و تابع مقررات مصوب وزارت میراث فرهنگی و گردشگری است و در حال حاضر، ضوابط قانونی تعیین شده در این ساخت‌وساز رعایت می‌شود.» او البته می‌پذیرد که «در گذشته اتفاقاتی در زمینه صدور مجوز برای ساخت‌وساز در حریم این باغ رخ داده که تابع مقتضیات آن زمان بوده است، اما در بررسی‌های کنونی حتماً دقت‌نظر لازم را به‌خرج می‌دهیم تا مشکلی برای باغ گیاه‌شناسی از نظر تأمین آب و شرایط اکولوژیکی مورد نیاز گیاهان آن ایجاد نشود.»



بیمه کودکان و نوجوانان در معرض خطر

مدیرکل بیمه‌گری و جذب منابع سازمان بیمه سلامت ایران گفت: «حمایت‌های بیمه‌ای از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و در معرض خطر، ادامه دارد.» جمشید شایانفر درباره قانون حمایت از کودکان و نوجوانان گفت: «درخصوص بند ج ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مطابق با قانون هرساله و اختصاص اعتبارات در بودجه سننوائی این‌سازمان تحت‌عنوان «حق بیمه پایه درمان مددجویان تحت پوشش بهزیستی کشور»، کودکان و نوجوانان موجود در مراکز نگهداری بهزیستی اعم از توانخواه، بزه‌دیده و در معرض خطر، همچنین کودکان و نوجوانان خانواده‌های مددجو و توانخواه تحت حمایت بهزیستی، با ارسال فهرست اسامی آنها توسط سازمان مزبور، ذیل صندوق سایر اقشار این سازمان تحت پوشش بیمه پایه سلامت قرار گرفته و این مهم هم‌اکنون هم استمرار دارد.» او افزود: «براساس مصوبه اخیر دولت، میزان مشارکت حق بیمه مشمولین دهک‌های ۶ تا ۹ نیز کاهش قابل توجهی داشته و امکان پوشش بیمه‌برای تمام آنان از جمله کودکان و نوجوانان فراهم است.»

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

شناسه آگهی: ۱۶۲۰۶۳۰